

علی شریف - دادیار دادرسی کرج
فارغ التحصیل رشته قضائی دوره دکترای حقوق

(ایراد مرور زمان در دعاوی مدنی)

مقدمه - قضاوت آن اندازه که وسیله فصل خصومت و حفظ نظم و جلوگیری از اختلال صلح و صفا است وسیله اجراز واقع نیست و همانطوریکه علمای حقوق گفته اند (تفکیک حق از باطل بطور مطلق بسا از قدرت آدمی خارج و از خصائص مقام الوهیت است)

رسیدگی بدعاوی کهنه و حقوقی که ادعای آنها مدتی است مسکوت مانده برای قاضی متعسر است و ورود در آن باسایش عمومی و نتیجتاً بنظم عمومی اخلال میکند و بهمین مناسبت قانونگذار با وضع قاعده مرور زمان رسیدگی بدعاوی کهنه و پوسیده را منع نموده و با وضع چنین قاعده‌ای سدی درمقابل دعاوی کهنه و پوسیده ایجاد کرده است بنابراین مرور زمان وقتی مانع رسیدگی است که بموجب قانون باشد و بعلاوه یکطرف دعوی بان استناد کند مؤید این گفتار ماده ۷۳۱ و ماده ۱۹۷ قانون آئین دادرسی مدنی است که در اولی تعریف مرور زمان و در دومی موارد ایراد و موقعیت آن بیان شده است.

بموجب ماده ۷۳۱ قانون آئین دادرسی مدنی (مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که بموجب قانون پس از انقضاء آن دعوی شنیده نمیشود) این ماده از ماده ۲۲۱۹ قانون مدنی فرانسه اقتباس شده که با توجه بمقتضیات روز و اصول معتقدات شرعی ما باین شکل مقرر و مدون شده است.

بموجب ماده ۱۹۷ قانون آئین دادرسی مدنی (در موارد زیر مدعی علیه میتواند ضمن پاسخ از ماهیت دعوی ایراد کند) .

- ۱ - وقتیکه دادگاه صلاحیت ذاتی نداشته باشد.
- ۲ - در مواردی که دعوی از جهت صلاحیت نسبی راجع بدادگاه دیگری است.
- ۳ - در مواردی که دعوی بین همان اشخاص در همان دادگاه یا دادگاه دیگری که از حیث درجه با آن دادگاه مساوی است قبلاً اقامه شده و تحت رسیدگی است و یا اگر همان دعوی نیست دعوائی است که با ادعای مدعی ارتباط کامل دارد.
- ۴ - در صورتی که دعوی مشمول مرور زمان باشد.

گفتیم که قانونگذار با وضع قاعده مرور زمان رسیدگی بدعاوی کهنه و پوسیده را منع کرده و در اینجا اضافه میکنیم که این وضع قانونگذار مطلق نیست اگر گذشت زمان همیشه مسقط حق نباشد لاقلاً موجب تعدیل آن خواهد بود - مرور زمان هم وقتی مانع رسیدگی بدعوی است که قانونی بوده و مدعی علیه نیز بان استناد کند اگر مدعی علیه سکوت کند دادگاه وارد رسیدگی میشود زیرا دادگاه واقف بحقیقت و واقع نیست، خواننده میداند که حقیقتاً مدیون است یا نه بهمین جهت مسئولیت وجدانی اسقاط دعوی باو واگذار شده اگر او ایراد

مرور زمان بکند قاطع خواهد بود و اگر ساکت باشد دادگاه تکلیفی در رد دعوی ندارد پس از ذکر این مقدمه بشرح ایراد و دفاع میپردازیم.

تعریف ایراد فوق و فرقی آن با دفاع: ایراد بمنزله سد یا مانعی است که اغلب بطور موقت از طرف اصحاب دعوی و غالباً از ناحیه خواننده در جلو جریان دعوی گذاشته میشود منظور از ایراد آنست که خواننده ادعای خواهان را مایه تانفی نمیکند بلکه جواب میدهد دعوی بنحوی که اقامه شده درخور پاسخ دادن نیست مثلاً میگوید خواهان معجور است و اهلیت اقامه دعوی ندارد یا پاسخ دعوی را وقتی خواهد داد که قیم یا ولی خواهان طرح دعوی نماید در حالیکه دفاع بمنزله نفی و انکار است و مقصود از آن این است که خواننده حقوق ادعائی خواهان را نفی و انکار مینمایند مثلاً خواننده که بدهکار است در دعوائی که خواهان علیه او اقامه نموده پاسخ میدهد هرگز از خواهان وجهی نگرفته و اصلاً با او بدهکار نیست.

نوع نزاع - در مورد تفکیک ایراد دفاع بمعنای اخص اینست که هرگاه خواننده بدفاع بمعنای اخص متوسل گردد و فرضاً حکم بنفع او صادر شود نتیجه آن است که در ماهیت امر اعتبار قضیه محکوم بها برای او حاصل میشود یعنی خواهان دیگر نمیتواند آن ادعا را در دادگستری بهیچوجه مطرح نماید لکن اگر خواننده بیک ایرادی متوسل بشود و ایراد مؤثر در مقام باشد قضیه محکوم بها فقط نسبت بموضوع ایراد برای او بوجود میآید و خواهان میتواند غیر از مواردی که قبول ایراد دعوی را بکلی از بین میبرد در ماهیت دعوی ادعای خود را از نو آغاز کرده و دادرسی را تعقیب نماید.

سابقه تاریخی - در حقوق رم ایراد در دعاوی عنوان شده و سبب اسقاط دعوی بوده و همینکه خواننده بان معترض میشد دعوی خواهان را فلج میکرد - در حقوق کشورهای اروپائی ایراد موجب یک وقفه موقتی در رسیدگی بماهیت دعوی است که آنرا بزبان فرانسه Exception گویند و از نظر آثار شبیه بدفاع بمعنای اخص است در حقوق ایران ایراد در واقع حق خصوصی اصحاب دعوی است ایراد پاسخی است که یکی از اصحاب دعوی ضمن دفاع در ماهیت و یا بدون دفاع در ماهیت بطرف مقابل میدهد و ازدادگاه میخواهد که قبل از ورود در رسیدگی ماهیتی تصمیم مقتضی نسبت بان اتخاذ نماید بعبارت دیگر از دادگاه میخواهد که قرار رد یا قبول ایراد صادر کند.

در قانون آئین دادرسی مدنی ما صرفنظر از ایراداتی که حق خصوصی اصحاب دعوی است ایراداتی هم هستند که بنظم عمومی ارتباط داشته و طرفین دعوی چه از آن استفاده کنند و چه نکنند دادگاه موظف است بان توجه و رأساً از رسیدگی امتناع نماید مانند وقتی که دادگاه ذاتاً صلاحیت نداشته یا یکی از اصحاب دعوی اهلیت قانونی نداشته یا امر مطروح بصورت قضیه محکوم بها جلوه گر شود و چند مورد دیگر که بتفصیل در مواد ۱۹۷ و ۱۹۸ قانون آئین دادرسی مدنی پیش بینی شده است ترتیب رسیدگی بایرادات و ذکر خصوصیات آنها از بحث ما خارج است و چون عنوان مقاله ما ایراد مرور زمان در دعاوی مدنی است میخواهیم بدانیم ایراد مرور زمان حق کیست و در جریان دادرسی تا چه حد قابل قبول است و بعبارت دیگر محدود بنوبت و مقید بزمان است یا نه؟

الف - ایراد مرور زمان حق کی است - ایراد مرور زمان حق خواننده است زیرا بطوری

که شق ۴ ماده ۱۹۷ قانون آئین دادرسی مدنی صراحت دارد از جمله ایراداتی که خواننده میتواند ضمن دفاع از ماهیت دعوی ایراد کند ایراد مرور زمان است و در این ماده ذکر از خواهان نشده بعلاوه بموجب ذیل ماده ۲۰۱ قانون مرقوم این حق بمدعی علیه داده شده و بنظر میرسد که ایراد مرور زمان حق خصوصی خواننده بوده و خواهان نمیتواند از این حق استفاده کند.

ب - ایراد مرور زمان در جریان دادرسی تا چه حد قابل قبول است ؟

پاسخ این سؤال چندان ساده نیست ظاهراً باید گفت ایرادهائی که جنبه منافع خصوصی اصحاب دعوی را در بر دارد محدود بنوبت و زمان است که این معنی از توجه بصدر ماده ۲۰۱ قانون آئین دادرسی مدنی مستفاد میشود صدر ماده ۲۰۱ مذکور باین شرح است (ایراد در دادرسی های عادی باید در اولین لایحه که در پاسخ طرف داده میشود بعمل آید و در دادرسی های اختصاری در اولین جلسه دادرسی ، مگر اینکه سبب ایراد بعد حادث شود) که در اینصورت اگر سبب در طی رسیدگی حادث شود ناچار ایراد همان موقع حدوث باید قابل استماع باشد مثلاً خواهان در اثناء رسیدگی محجور شود و از این قبیل ، راجع باینکه ایراد مرور زمان محدود بوقت و مقید بزمان است یا نه ذیل ماده ۲۰۱ قانون آئین دادرسی مدنی نیز قابل توجه است ذیل ماده ۲۰۱ باین شرح است :

(ایراد مرور زمان را مدعی علیه میتواند در محاکمات اختصاری در اولین جلسه و در محاکمات عادی در اولین لایحه که در جواب دعوی میدهد و در مورد حکم غیابی ضمن اعتراض با اولین لایحه که در جواب اعتراض داده میشود بنماید و هم چنین است در مورد شکایت پژوهش از حکم غیابی) .

اگر قبول کنیم که ایراد مرور زمان و سایر ایراداتی که جنبه منافع خصوصی اصحاب دعوی را دارند مقید بزمان و محدود بوقت معینی هستند باید تصدیق کرد ایراداتی که موضوع آنها مربوط بنظم عمومی و از قواعد آمره میباشد مقید بزمان و محدود بنوبت نیستند و فرض سکوت اصحاب دعوی توجه بایراد برداد گاه الزام آور است و در هر جلسه از جلسات دادرسی و هر موقع که دادگاه متوجه شود موظف بایراد میباشد و از این نظر ایرادات مذکور شبیه بدفاع بمعنی اخص هستند که اصولاً محدود و مقید بوقت و نوبت نبوده و در تمام مراحل دعوی خواننده میتواند این وسیله را با رعایت قواعدی که برای نظم مقدمات کتبی در دادرسی عادی مقرر شده است بکار بندد .

ج - آیا ایراد مرور زمان همه وقت قابل قبول است ؟

در این مورد اختلاف نظر وجود دارد ، عده ای از حقوقین و قضات دادگاهها قبول آنرا در تمام مراحل دادرسی جائز و عده ای بمنع جواز آن عقیده دارند ، دسته اول میگویند قانونگذار در این مورد ضابطه قاطعی بدست نداده و ایراد مرور زمان همه وقت قابل توجه است و با توجه بماده ۲۰۷ قانون آئین دادرسی مدنی ایراد را در غیر لایحه اول و در غیر از جلسه اول دادرسی میتوان قبول کرد - نگارنده وقتی با جناب آقای ویشکائی ریاست محترم دادگاه تجدید نظر قضات تماس گرفته و موضوع را با ایشان در میان گذاشتم همین عقیده را داشته و عبارت

ماده ۲۰۷ را پایه استدلال خود قرار دادند ماده ۲۰۷ قانون آئین دادرسی مدنی باین شرح است: (هرگاه ایراد مذکور در ماده ۱۹۷ و ۱۹۸ در اولین لایحه دادرسی عادی یا در اولین جلسه دادرسی اختصاری بعمل نیامده باشد دادگاه مکلف نیست علیحده از ماهیت دعوی بآن رأی دهد و همچنین است ایرادات دیگری که در این مبحث ذکر نشده) استاد محترم جناب آقای دکتر متین دفتری عقیده دارند که از حکم ماده ۲۰۷ قانون آئین دادرسی مدنی نباید استفاده نهی مطلق را کرد باین معنی نباید نتیجه گرفت که اگر اصحاب دعوی حسب مورد در اولین لایحه یا در اولین جلسه ایراد نکردند مثل اینستکه اعراض کرده و حق ایراد از آنها ساقط شود بعضی از آراء شعب دیوان کشور حاکی است که ایراد مرور زمان در غیر جلسه اول قابل قبول است اینک چند رأی ذیلا نقل میشود.

۱ - (بطوریکه از ماده ۲۰۷ قانون آئین دادرسی مدنی مستفاد میشود ایراد مرور زمان بعد از نقض شدن حکم هم مانعی ندارد حکم شماره ۱۱۹۳ - ۲/۸/۲۷ شعبه ۶)

۲ - (طبق مستفاد از ماده ۲۰۷ قانون آئین دادرسی مدنی ایراد مرور زمان در غیر جلسه اول هم قبول است حکم شماره ۴۰۵ - ۴/۳/۲۹ شعبه ۴)

۳ - (از تعبیر ماده ۲۰۷ قانون آئین دادرسی مدنی مستفاد میگردد که ایرادات مذکور در ماده ۱۹۷ - قانون مزبور که از آن جمله ایراد مرور زمان است در خلال رسیدگی ماهیتی قابل توجه و رسیدگی میباشد و تصریح قانونی که ایراد مزبور را محدود بمرحله بدوی نماید در قانون مزبور نیست حکم شماره ۳۶۴۵ - ۳۰/۱۰/۱۹ شعبه ۱)

۴ - بموجب قانون اگر ایراد مرور زمان در مرحله اعتراض بحکم غیابی یا در مرحله پژوهشی هم شده باشد دادگاه مکلف است بآن رسیدگی نماید و اگر ایراد در اولین جلسه دادرسی اختصاری بعمل نیامده باشد بر حسب ماده ۲۰۷ قانون آئین دادرسی مدنی دادگاه مکلف نیست علیحده از ماهیت دعوی نسبت بآن رأی دهد حکم شماره ۱۳۹۵ - ۶/۹/۲۷ شعبه ۲)

دسته دوم عقیده دارند که با تصریح قانونگذار در ماده ۲۰۱ قانون آئین دادرسی مدنی تردیدی نیست که ایراد مرور زمان همه وقت نمیتواند قابل قبول باشد و چنانچه در غیر از جلسه اول دادرسی و در غیر از اولین لایحه ایراد شود قابل رد است بعقیده نگارنده از ماده ۲۰۱ قانون آئین دادرسی مدنی خاصه از صدر آن با وجود تصریح قانونگذار بکلمه باید امر مطلق و از مفهوم مخالف آن نهی مطلق مستفاد میشود وبعلاوه در ابتدای ماده کلمه ایرادات قید شده که اطلاق دارد و ذیل ماده هم صحبت از مرور زمان است و هرچند بذکر کلمه میتواند اکتفا شده ولی باز هم ایراد را مقید و محدود بوقت معین کرده و اگر با چنین تصریحاتی خلاف آنرا تصور کنیم و خلاصه ایراد مرور زمان را همه وقت قابل قبول بدانیم نقض غرض کرده ایم و بعلاوه چه لزومی داشت که قانون گزار چنین تأکیدی بنماید ممکن بود بگوید (ایراد مرور زمان را خواننده در تمام مراحل ضمن لایحه و خلاصه هر وقت که مایل باشد میتواند بنماید) در حالیکه چنین نیست و قبول ایراد باین کیفیت سبب تضییع حق خواهان و اطاله دادرسی است زیرا وقتی ایراد مرور زمان بوسیله خواننده در جلسه اول مورد قبول دادگاه واقع شود دادگاه قرار رد دعوی خواهانرا صادر و اگر موجبی برای ادامه رسیدگی

نباشد پرونده مختومه است درحالیکه اگر در غیر جلسه اول ایراد شود (مثلاً در جلسه چهارم) و ظرف این مدت دادگاه حسب تقاضای خواهان قرار معاینه محل با جلب نظر کارشناس صادر و پس از احراز حق خواهان در معاینه محلی با جلب نظر کارشناس نماید؛ یقیناً خواهان متحمل مخارجی شده است که اگر در جلسه چهارم ایراد خوانده را بپذیریم خسارتی را به خواهان متوجه نموده ایم و این دور از انصاف و عدالت است و صدور رأی دائر بقبول ایراد مرور زمان وارد دعوی خواهان باین کیفیت فاقد وجاهت قانونی خواهد بود کما اینکه عده‌ای از همکاران قضائی و نیز بعضی از آقایان رؤسا شعب دیوانکشور و محاکم استیناف همین نظر را داشته و ایراد مرور زمان را در غیر جلسه اول قابل قبول نمیدانند ضمناً از رأی شماره ۲۸۹۳/۴ - ۳۹/۸/۲۵ هیئت عمومی استنباط میشود که ایراد مرور زمان بایستی در جلسه اول بشود مطلب دیگر آنکه هر چند حکم ماده ۲۰۷ قانون آئین دادرسی مدنی حصر زمانی را در مورد قبول ایراد مرور زمان تعدیل نموده و ایراد را بعد از اولین جلسه یا اولین لایحه تجویز میکند لکن بعقیده اینجانب فرق است بین ایراد و قبول ایراد و اگر ایراد بموجب ماده ۲۰۷ تجویز شده قبول و استماع آن مجوزی نداشته و قانونگذار منظورش در درجه اول روشن ساختن تکلیف دادگاه بوده که تصریح نموده (نسبت بچنین ایرادی دادگاه مکلف نیست علیحده از ماهیت دعوی رأی بدهد) که با توجه بمفهوم مخالف ماده بنظر میرسد هر گاه ایراد بعد از اولین جلسه یا بعد از اولین لایحه بعمل آید دادگاه مکلف است ضمن رسیدگی بدعوی و اعلام رأی در مورد ماهیت نسبت بایراد هم تصمیم بگیرد باین معنی که مانند ایراد در جلسه اول لازم نیست دادگاه جداگانه در مورد قبول یا رد آن تصمیم بگیرد و میتواند ضمن رسیدگی ماهیتی بماهیت نسبت بایراد اتخاذ تصمیم کند بقره تقدیر موضوع در خور بحث و انتقاد است و نظر حقوقدانان کشور و همکاران محترم قضائی را نسبت بآن جلب مینماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی